



از چشم حافظ

زهره کاظم زاده

طنزپرداز



در تقویم سیر می‌کردم که دیدم شانزده آذر روز دانشجو نزدیک است. این شد که گوشی تلفن را برداشتم و تماسی با خواجه حافظ گرفتم. او با صدایی خفه بعد از احوال‌پرسی پرسید: لنگ ظهر چه وقت زنگ زدن است؟ و من بس خجل گردیدم اما به روی خود نیاوردم تا دیسپلین شخصی‌ام را حفظ کنم. حافظ هم بزرگواری کرد و چیزی نگفت و بیت زیر را خواند و تفسیر کرد:

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول
زورد نیم شب و درس صبحگاه رسید

ای رفیق مکتب‌خانه! خواب نیاز هر موجود زنده‌ای است اما در فال شما اندک زیادی خواب‌آلودگی مفرط دیده می‌شود، به حدی که آبروی هرچه دانشجو است را برده‌اید. جناب حافظ موقتاً توصیه می‌کند: به خواب نرو تا قبول شوی! از همین امروز شروع کن به درس خواندن تا در شب امتحان هر نیم ساعت به ما رجوع نکنی تا نتیجه‌ی امتحان را پیش‌بینی کنیم. عادت به وردخوانی و دعا دارید اما همانطور که از احوال و احوال شما مشخص است از نیمه شب عوض درس خواندن، شروع به راز و نیاز و تضرع به درگاه پروردگار می‌کنید تا شاید فرجی شود اما زهی خیال باطل که صبح می‌شود و بیش از دو صفحه نیز نخوانده‌ای و مردود شدن تو قطعی است. عقلش را داری اما حیف که با خواب زیاد آبروی دانشجو جماعت را برده‌ای. ضمناً از چشم حافظ نیز افتادی.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

باشیفتگان خدمت

مهدی سلیمان نژاد

طنزپرداز



« هزینه‌ی خدمت

آن قدر عاشق خدمت بود که چند میلیارد هزینه‌ی گاو و گوسفند و برنج شام دادن هایش شد.

« حسرت خدمت

معلم به کلاس آمد و مانند هرروز خوش‌حال نبود و گفت: من برای رای آوردن فلان نامزد انتخابات مجلس تلاش کردم اما دیگران را رئیس مدارس می‌کند.

« تداوم خدمت

مطالبه‌گری دانشجویان سبب شد شخصی که اشتباهی رئیس دانشگاه شده بود عزل شود. رئیس معزول گفت: ببینید من همیشه رئیس‌م. این‌جا نباشد آن‌جا.

« مزایای خدمت

جمعه‌ها با خودروی اداری به تفریح و عروسی و ختم و خرید می‌رفت و ظهر با همان خودرو، خودش را به نماز جمعه می‌رساند و می‌گفت: من هرگز نماز جمعه را ترک نمی‌کنم.

« اعتقاد خدمت

فرمانداری مورد نقد رسانه‌ای قرار گرفت و با اشاره به قرآن روی میز کارش گفت: من هرروز اول صبح، قبل از شروع کار، یک‌صفحه قرآن می‌خوانم.

« دلباخته‌ی خدمت

سرپرست فرمانداری گفت: برای تحول آمده‌ام. مسئولیت بالاتری گرفت و رفت.

« تدبیر خدمت

گفت فلانی مسئول کمیته‌ی کارخانه‌داران ستاد انتخاباتی فلانی شد. گفتم کارش چیست؟ گفت پول ستاد را می‌دهد.

« شیرینی خدمت

گفت خیری تمام پول ستاد انتخاباتی فلانی را داده و گفته است: برای رضای خداوند کمک کردم و هیچ چشم‌داشتی ندارم فقط وقتی رای آوردی من را فراموش نکن.

شلوار سه خطی

مهدی یوسفی

کاریکاتورست



طول روز و استراحت؟ نه محال است این، محال بوده‌ام شب‌ها سرکاری دگر بیدار نیز

یک دو ساعت بین روز و شب برایم فرصتی‌ست می‌کنم در رستورانی آن زمان را کار نیز

با وجود این همه کار و تلاش و پشتکار روی سر سقفی ندارم، پشت سر دیوار نیز

هفت سالی می‌شود یک پیرهن دارم به تن هفت سالی می‌شود دارم همین شلوار نیز

می‌زنم از خرج‌های زندگی هرچا که شد در دلم دارم همیشه حسرت بسیار نیز

چون حسابیدم شود مسکن نصیب من اگر زنده باشم چارصد سال و نمایم کار نیز

در هزار و هشتصد حل می‌شود هر مشکلی می‌شود این بنده سرگشته، مسکن دار نیز

بی‌خانمان

احمد رفیعی وردجانی

شاعر



گوش‌هایم گشته سنگین چشم‌هایم تار نیز
هیکل در مانده‌ام از خستگی سرشار نیز

روزها در کارگاهی گرم کارم بی‌دریغ
بین کارم می‌برم فرصت اگر شد، بار نیز

من نه تنها چیزی از کارم نمی‌دزم، به شوق
می‌کنم از بهر صاحب‌کار خود این‌تار نیز

بی‌جهت غرغر ندارم زیر لب یا روی لب
بوده‌ام همواره در هر کاری آزار نیز

گرچه باشد ساعت پایان کارم رأس دو
بوده‌ام مشغول کار خویش، حتی چار نیز

سید مهدی موسوی

طراح



چشمک

(چت هوش مصنوعی کاتوس)

سلام... سلام

سلام خیلی خوش حالم که به من به عنوان یک هوش مصنوعی پیام دادید. چه کمکی از من بر می‌آید؟

میگم تو تعبیر خواب هم بلدی؟

بله بعد از پخش ۶۲۴ بار سریال یوسف پیامبر از شبکه‌های مختلف من تسلط کافی بر این امر دارم و تعجب میکنم که چطور شما انسان‌ها با هوش طبیعی هنوز به الگوریتم آن دست پیدا نکردید...

خب دیشب خواب دیدم که هشت ابر سیاه بزرگ که زیر پای خود سرزمین‌های خوب و سرسبز رو دیدن اما نماریدن و راهشون رو گرفتن و رفتن بعد پشت سرشون چهار ابر سفید کوچولو میومدن که هرچا رو میدیدن میماریدن به سرسبز و خشک بودن زیرشون هم نگاه نمی‌کردن... خیلی عجیب بود اصلاً تا صبح خوابم نبرد...

دوست عزیز، طبق بررسی‌هایی که من به عنوان هوش مصنوعی کردم و آنچه از علم تعبیر خواب، از یوزارسیف آن را آموختم: آن ابر سیاهی که نمی‌ماریدند، سال‌های ریاست جمهوری شما بودند که خیری به کشور نرساندید. آن چهار ابر سفید هم که همه‌جا می‌ماریدند دوران حکومت ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی هست. بنده خدا هرچا شما دوست عزیز ماریدنتان نگرفت، دارد زحمت میکشد و می‌مارد... در کل توصیه من به عنوان یک هوش مصنوعی به شما این است که از تاثیر گذاری مجدد در آینده سیاسی ایران خودداری نمایید.

آنچه می‌خواهید را وارد کنید...